

غیرت در اسلام

سمیه کارگر^۱

چکیده

یکی از کمالات والای انسانی که اسباب آن را خدای متعال در وجود آدمی تعبیه کرده «غیرت» است. غیرت از خودپرستی ناشی نمی شود بلکه احساس خاصی است که خداوند برای حمایت از حریم زندگی خانوادگی ایجاد کرده است. در مرد، تمایل به عفاف و پاکی زن وجود دارد، همچنان که در خود زن نیز تمایل خاصی به عفاف وجود دارد. حسی که در مرد نسبت به هموعان وجود دارد غیرت نامیده می شود. حسادت و غیرت دو صفت کاملاً متفاوت اند. ریشه حسادت، خودخواهی و از غرایز و احساسات شخصی است اما غیرت یک حس اجتماعی است و فایده و هدفش متوجه دیگران است. غیرت در آموزه های ناب اسلامی از چنان اهمیت و ظرفیتی برخوردار است که همواره به عنوان شاخصه بارز اهل ایمان و سرمایه انسانی معرفی شده است. وجود غیرت در جامعه انسانی تا آنجا ضروری و حیاتی است که شارع مقدس اسلام در تشریع احکام نیز به آن عنایت داشته است. پژوهش حاضر قصد دارد به بررسی مقوله غیرت و کارکردهای آن در آموزه های دینی که در تعیین سرنوشت دنیا و آخرت آدمی تأثیر به سزایی دارد، بپردازد.

کلیدواژه:

غیرت، عفت، محرمات، سلامت، آموزه های دینی.

¹ طلبه پایه هفتم مدرسه علمیه حضرت زهرا (س) میبد

مقدمه

غیرت در لغت به معنای حمیت، رشک، حسد، ناموسپرستی و تنفر طبیعی انسان از مشارکت دیگران در چیزی که محبوب او است گفته میشود. در اصطلاح نیز، غیرت عبارت است از منع کردن دیگران از شرکت نا بهجا در حقی که شرع، عرف یا قانون برای فرد معرفی کرده و حمایت کردن از آن حق در برابر رفتار ناپسند و نا به هنجار دیگران واجب است. این صفت از شجاعت، بزرگ منشی و قوت نفس انسان سرچشمه میگیرد و یکی از ملکه های نفسانی انسان و در حد عالی آن لازمه انسانیت است و مطابق برخی روایات مرد بی غیرت از زمره مردان خارج است. غیرت داشتن تنها در ناموسپرستی و صیانت از زن و همسر خلاصه نمیشود. غیرت یک مفهوم عام است و در ابعاد و شاخه های گوناگون، دارای کارکرد و دستاورد است. وجود غیرت در جامعه انسانی تا آنجا ضروری و حیاتی است که شارع مقدس اسلام در تشریع احکام نیز به آن عنایت داشته و در روایات اسلامی اهمیت بسیار زیادی به آن داده شده است و از آن به عنوان یک فضیلت بزرگ یاد شده است. از طرف دیگر بی غیرتی در هر نوعی، آثار فردی و اجتماعی نامطلوب زیادی بر پیکره جامعه وارد میکند. برخی از آنها عبارتند از: پوچ نمودن و تهی کردن انسانها از ارزشهای انسانی، خارج شدن جامعه از حد اعتدال و سلامت، فراهم شدن زمینه برای هجوم بیگانگان و استثمارگران، افزایش فساد در اجتماع، از بین رفتن حیا و عفت بین زنان و مردان، از بین رفتن اصالت خانوادگی، تزلزل نظام خانواده، ترک امر به معروف و نهی از منکر، سوء تربیت فرزندان، مخدوش ساختن فرهنگ دینی و بسیاری موارد دیگر. از این رو، در آموزه های اسلامی برای تقویت روحیه غیرت ورزی دستوراتی به مسلمانان داده شده است. برخی از آنها عبارت اند از: تقویت روحیه جهاد، گسترش امر به معروف و نهی از منکر، مواظبت از نگاه حرام، چه به جنس مخالف و چه به همجنس، پنهان کردن و آشکار نساختن زینت ها و آرایش خویش، توجه در حرف زدن و گفتگوی زن و مرد نامحرم باهم دیگر، برجسته کردن روحیه مردانگی، بیدار نمودن وجدان اخلاقی، وطن دوستی و مشارکت در دفاع از میهن و هممیهنان و برخی عوامل دیگر. در آموزه های دینی غیرت به سه نوع: غیرت دینی، غیرت ناموسی و غیرت ملی تقسیم شده است. هر یک از آنها مخصوصاً غیرت ناموسی نیز به دودسته غیرت ممدوح و مذموم قابل تقسیم است.

غیرت در لغت و اصطلاح

غیرت از لحاظ لغوی به معنای حمیت، غضب و رشک بردن است. این صفت در قالب مطلوبش، از شجاعت، بزرگ منشی و قوت نفس انسان سرچشمه می گیرد و یکی از «ملکه»های شریفه نفسانی است. غیرت، نمود خاصی در نفس انسانی دارد که از خودخواهی های او (گاه مثبت و گاه منفی) و دوست داشتن خویشتن سرچشمه می گیرد و گاهی نیز دین، نمایان کننده و تأکید کننده غیرت است.

واژه غیرت از واژه غیر به معنای «دیگر» و «جز این و مگر این» است. این که سخن از تغییر و تغییرات می رود، به سبب همین جا به جایی و دگرگونی که انجام می گیرد و جز این و مگر این ها داخل شده و استنثاها از استثنا بودن خارج می شوند و بخشی از کل و کلی می شوند، یا آن که جایگزین شده و کل و کلی را بیرون می رانند. از همین رو، تغییر احوال به معنای چنین جا به جایی است که حالات استثنایی از میان می رود یا جایگزین اصل می شود و اصل را از اصلیت می اندازد.

اصولاً، وقتی سخن از غیر است به معنای استثنا کردن کسی یا چیزی است. غیرت ورزیدن به معنای دیگرزدایی و غیرزدایی از حریم حرمت ها و خارج کردن کس یا چیزی است که نباید در این حریم کل یا کلی قرار گیرد.

غیرت در اصطلاح اخلاقی، به رشک و حسادت مردانه (لغت نامه دهخدا، واژه غیرت) گفته می شود که به واژه و اصطلاح حمیت نزدیک است. اصولاً یکی از صفات اخلاقی مردان، داشتن غیرت نسبت به حریم حرمت های خانوادگی است و می توان غیرت را بازتابی از حریم شناسی، حس مالکیت، اقتدار، شجاعت و قوت نفسانی دانست. (جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۶۶)

برخی نیز گفته اند: واژه غیرت در اصل از تغییر و تغیر گرفته شده و به معنی دفاع شدید از عرض و ناموس، یا مال و کشور و دین است، و معمولاً چهره انسان غیور هنگام دفاع، متغیر و دگرگون می گردد و نشانه های دفاع جدی و شدید در چهره اش دیده می شود. ضد آن دیانت، بی غیرتی، بی تفاوتی، سستی و سهل انگاری است که چنین خصلتی موجب پیامدهای ویرانگر و انحرافات بسیار زشت خواهد شد.

هر چند طریحی بر آن است تا معنای لغوی کلمه غیرت را بیان کند، ولی در تعریف لغوی عدول کره و به تعریف اصطلاحی ولی عام غیرت می پردازد. وی می نویسد: الغیره نفره طبیعیه تکون عن بخل مشارکه الغیر فی امر محبوب له ؛ غیرت به معنای نفرت انسان از مشارکت دیگران در امور مورد علاقه اش است. (ر.ک: مجمع البحرین، ج ۳، ص ۲۳۴) پس از نظر وی، غیرت به معنای دفاع از چیزی محبوب در برابر هرگونه دستبرد و تجاوز است.

ملاحمد نراقی در تبیین معنای اخلاقی غیرت می نویسد: «غیرت از شرایف ملکات و فضایل صفاتی است که آدمی نگاهبانی کند دین خود را و عرض خود و اولاد و اموال خود را و از برای محافظت و نگاهبانی هر یک، طریقه ای است که صاحب غیرت و حمیت، از آن تجاوز نمی کند.» (معراج السعاده، ص ۴۶۱). علامه طباطبایی در تفسیر المیزان گفته است: «غیرت عبارت است از دگرگونی انسان از حالت عادی و اعتدال؛ به طوری که انسان را برای دفاع و انتقام از کسی که به یکی از مقدساتش - اعم از دین، ناموس و یا جاه و امثال آن - تجاوز کرده، از جای خود می کند. این صفت غریزی، صفتی است که هیچ انسانی به طور کلی از آن بی بهره نیست. پس غیرت یکی از فطریات آدمی است و اسلام هم دینی است که براساس فطرت تشریع شده (روم، آیه ۳۰) و امور فطری را تعدیل می کند. پس آن اموری که در حیات بشر لازم و ضروری است، را معتبر و واجب می سازد و آنچه غیر ضروری است، حذف نموده و از اعتبار می اندازد.» (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۸۰).

غیرت در یک کلمه «حفظ حریم حرمت ها و خطوط قرمزهایی است که به شخص تشخص و هویت می بخشد»؛ زیرا هر کسی با محدوده سازی و ایجاد تمایز با غیر و دیگری است که می تواند هویت مستقل خود را اثبات کرده و تشخص یابد.

البته مفهوم غیرت در آموزه های اسلامی فراگیر و جامع تر از آن چیزی است که در تعریف غیرت گفته شد؛ زیرا با توجه به خاستگاه و اقسام غیرت می توان گفت که غیرت از منظر اسلام، غیر زدایی از حریم حرمت ها است. (بحارلأنوار، ج ۷۳، ص ۳۳۲).

خاستگاه و ریشه های غیرت

چنان که دانسته شد ، غیرت یک امر طبیعی، فطری و غریزی در انسان است. شاید مهم ترین عامل در ایجاد چنین حالتی در انسان، همان حس مالکیت، همراه با حس هویت بخشی و تشخیص یابی باشد که انسان را از دیگری جدا می کند و استقلال وی را بروز و ظهور می دهد.

خداوند در هر انسانی، نفس و روانی را قرار داده که با همه بساطت و سادگی اش، دارای همه صفات و اسمای الهی است. ^۱ از این رو، یک انسان کاملی انسانی است که همه صفات جلالی و جمالی خداوند را دارا باشد و آن ها را ظهور داده و به فعلیت رسانیده باشد. از جمله صفات جلالی خداوند غضبان است. انسان نیز همان طوری که دارای قوه جاذبه است؛ هم چنین دارای قوه دافعه است که در قالب غضب خودش را نشان می دهد. اگر قوه غضبی نبود امنیت و آرامش از ساحت زندگی بشر بیرون می رفت. این قوه غضب است که او را در برابر عوامل نابودگر حفظ می کند و در قالب دفاع امنیت جانی و روانی و مانند آن ها را برای آدمی فراهم می آورد.

با نگاهی به انواع و اقسام غیرتی که انسان از خود نشان می دهد روشن می شود که نمی توان همه انواع و اقسام غیرت را از یک سرچشمه و خاستگاه دانست؛ بلکه انواع غیرت دارای خاستگاه و ریشه های متفاوتی است.

از آن جایی که غیرت بیش تر در قالب واکنشی پدید می آید باید گفت که غیرت در انسان ها یک کنش ابتدایی نیست، بلکه واکنشی در قبال کنش های دیگران است؛ مگر آن که غیرت را در حوزه تشخیص یابی و هویت سازی قرار دهیم که می تواند با کنش آغاز شود و به واکنش بیانجامد؛ اما بیش تر انواع و اقسام غیرت از قبیل واکنش های انسانی در برابر کنش های دیگری است. بنابراین باید گفت، سرچشمه این واکنش های انسانی در قالب انواع و اقسام غیرت، ممکن است اموری چون حمیت، تعصب و تعقل و مانند آن ها باشد.

البته در منابع اسلامی عواملی به عنوان خاستگاه و ریشه غیرت مطرح شده است. از جمله حضرت علی(ع) ریشه غیرت را شجاعت(ثمره الشجاعه الغیره : ر.ک: غررالحکم و دررالکلم، ص ۹۲۵، ح ۷۲۵۵) ملاحمد نراقی

در مقابل این صفت غیرت، صفت ناپسند بی غیرتی است که در روایتی از امیرمومنان علیه السلام آمده که: «إِنَّ اللَّهَ يَغَارُ لِلْمُؤْمِنِ فَلْيَغَرْ، مَنْ لَا يَغَارُ فَإِنَّهُ مَنكُوسُ الْقَلْبِ» خداوند برای مؤمن، غیرت می ورزد، پس او نیز باید غیرت آورد. هر کس غیرت نورزد، دلش وارونه است. منکوس در لغت، یعنی مقلوب، واژگون و سر و ته. حتی در لغت به بچه ای که به صورت غیرطبیعی و با پا به دنیا بیاید، «أَلُوْلَدُ الْمَنكُوسِ» می گویند. یعنی قلب وی واژگون و سر و ته است؛ یعنی چیزی وارد آنها نمی شود و راهی برای تغییر و تطهیر ندارند. در حقیقت قلب واژگونه که سیر و حرکت معنوی آنها بر غیر صراط مستقیم و برخلاف فطرت است، لذا ثمری ندارد و به نتیجه نمی رسد. در حدیث دیگری در کافی شریف، امام باقر علیه السلام، قلوب را به سه قلب تقسیم فرموده: «اولین آنها، قلب منکوس است که در آن خیری نیست، و آن قلب کافر است...»

منظور از قلب وارونه چیست؟

از مجموع این بیانات چنین برمی آید که: منظور از منکوس، قلب واژگونه ای است که هیچ گونه ارزش اخلاقی در وجودش بعنوان خیر و نیکی استقرار پیدا نمی کند، مانند کاسه ای که وارونه زیر باران گذاشته شده که هر قطره ای که بر او می ریزد، با اصابت به آن به گوشه ای می افتد و خود قابلیت ظرف بگونه ای است که نمی تواند به مقام مضروف بودن نائل آید.

رفع یک شبهه: آیا غیرت، همان تعصب ناپسند است؟

ممکن است که گفته شود، غیرت همان تعصب است که باید در جواب بگوییم، تعصب به معنی «وابستگی غیر منطقی به چیزی» تا آنجا که انسان حق را فدای آن کند؛ که در کلامی از امام سجاد علیه السلام «تعصب و حمیت آن است که انسان، انسان های بد شهر خویش را بر انسانهای خوب دیگر شهرها ترجیح دهی» یعنی ترجیح بد بر خوب و ملاک ترجیح، وابستگی غیر منطقی آدمی به آن. اما غیرت، وابستگی منطقی و قابل دفاع، است که نسبت به دین، ناموس، و اولاد، و تربیت آنها و ... جزء اموری است که در اسلام به محافظت از آن و ترک اهمال نسبت به آن، بسیار توصیه شده است.

پس تفاوت بین تعصب و غیرت، در وابستگی غیر منطقی و وابستگی منطقی و همچنین در نزاع حق فدای باطل و باطل فدای حق، است.

البته ناگفته نماند که غیرتی که محل بحث است، غیرت ناموسی است و الا غیرت دینی و غیرت ملی نیز از اقسام غیرت در جای خود، مهم است.

صفت غیرت بقدری مهم است که باید جزء صفات کسبی مرد خانه بشود، اگرچه خلاف طبعش باشد؛ در حدیثی از امام صادق (ع) آمده: «إِنَّ الْمَرْءَ يَحْتَاجُ فِي مَنْزِلِهِ وَ عِيَالِهِ إِلَى ثَلَاثٍ خِلَالٍ يَتَكَلَّفُهَا وَ إِنْ لَمْ يَكُنْ فِي طَبْعِهِ ذَلِكَ: مُعَاشَرَةً جَمِيلَةً وَ سَعَةً بِتَقْدِيرٍ وَ غَيْرَةً بِتَحَصُّنٍ» مرد در خانه و نسبت به خانواده‌اش نیازمند رعایت سه صفت است هر چند در طبیعت او نباشد: خوش رفتاری، گشاده دستی به اندازه و غیرتی همراه با خویشتن داری.

غیرت در فقه و حقوق

غیرت از لحاظ فقه و حقوق، در کتاب تحریرالوسیله چنین آمده: «اگر به ناموس کسی خواه همسرش باشد یا دیگران به قصد تجاوز حمله شود، واجب است به هر وسیله ممکن آن را دفع کند گرچه به کشتن مهاجم بیاانجامد، بلکه اگر قصد آبروریزی به کمتر از تجاوز هم داشته باشد، به ظاهر حکمش همین است.»
اللسان وَ الشَّجَاعَةُ» غیرت شدید در مورد ناموست، سخاوت، حسن خلق، راست گویی و داشتن شجاعت.

نتیجه

یکی از حالات والای نفس انسانی، دفاع از حریم ارزش ها و جلوگیری از هرگونه تعرض نسبت به آن است. از این حالت نفس که فضیلتی اخلاقی نیز شمرده می شود، به عنوان «غیرت» یاد شده است. هر انسانی، فطرتاً اهل غیرت است مگر آنکه از حالت فطری و طبیعی خود بیرون رفته باشد. غیرت در مردان، نماد مردانگی و آزادگی است و تقویت آن به ویژه در حوزه مسائل خانوادگی و ناموسی، امری بایسته و شایسته است و تضعیف آن موجب می شود که مرد به عنوان ستون خانواده مطرح نباشد؛ زیرا بی غیرتی مرد، توان دفاع از حریم خانه و خانواده و ارزش ها را از او می گیرد. ازاین رو در آموزه های اسلامی بر نقش غیرت تأکید ویژه ای شده است. غیرتمند همان گونه که نسبت به حریم های عمومی و ارزش های دینی و اسلامی حساس است و به جنگ دشمنان اسلام و میهن می رود، در امر دفاع از حریم خصوصی و جان و مال و آبروی خویش نیز کوشا است و به دفاع از حریم خانه و خانواده می پردازد. بی غیرتی و بی تفاوتی، نیز درواقع نوعی بیماری

روحي و رواني است كه مانند ديگر امراض، قابل درمان است. شكوفاسازي غيرت فطري، بهترين نسخه درمان اين بيماري است. افراد بي غيرت با آگاهي و كسب معرفت در اين زمينه و تمرين و عمل، مي توانند به شكوفاسازي غيرت از دست رفته خويش بپردازند. غيرت در آموزه هاي ديني، داراي ابعاد و كاركردهاي مختلف خانوادگي، فرهنگي، اجتماعي، اقتصادي، مالي، ملي و... است كه غيرتمندي در هر كدام از آن زمينه ها، به گونه اي جلوه مي يابد و حفظ اعتدال در غيرت ورزي، راز ممدوحيت آن است. در واقع يكي از شاخصه هاي انسان و جامعه سالم، داشتن غيرت است و با در پيش گرفتن اعتدال در ابراز آن، مي توان افراد و درنتيجه جامعه سالمی را به وجود آورد و مسلماً در صورت از بين رفتن غيرت در بين مردم، جامعه رو به بيماري و فنا و نابودي خواهد رفت.

منابع

1. جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۶۶
2. مجمع البحرين، ج ۳، ص ۲۳۴
3. معراج السعاده، ص ۴۶۱
4. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۲۸۰
5. روم، آیه ۳۰
6. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۳۲
7. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۹۲۵، ح ۷۲۵۵
8. معراج السعاده، ص ۳۶۱ و ۴۶۱
9. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۴۷۶
10. مسئله حجاب، ص ۴۶
11. یوسف، آیه ۳۳
12. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۹۵۲، ح ۴۳۵۵
13. مستدرک الوسائل، ج ۴۱، ص ۱۳۳
14. مطهری، مسئله حجاب، ص ۴۶
15. بحار، ج ۷۹، ص ۱۱۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰۸
16. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۸
17. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۹۱، ح ۱۵۶۳
18. تحف العقول ص ۳۲۲
19. فتح، آیه ۲۶
20. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ص ۲۵۹، ح ۵۵۲۷
21. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۴۷۶ با دخل و تصرف

22. كنز العمال، ج ٣، ص ٣٨٥، ح ٧٠٦٧ وسائل الشيعة، ج ١٤، ص ١٧٦
23. نهج البلاغه، نامه ٣١؛ الكافي ج ٥ ص ٥٣٧
24. بحارلأنوار، ج ٧٣، ص ٣٣٢
25. كافي، الاسلاميه ج ٥، ص ٥٣٥ و ٥٣٦، ح ١
26. ز الأمالى، الشيخ الصدوق، ص 272
27. المحاسن، البرقى، ج 1، ص 115
28. الأمالى، الشيخ المفيد، ص 122
29. ترجمه تفسيرالميزان، ج ٤، ص ٢٨٠
30. بحارلأنوار، ج ٧٣، ص ٣٣٢
31. كافي، ج ٥، ص ٥٣٥، ح ١
32. نهج الفصاحه، ح ٢٠٤٥
33. كنز العمال، ج ٣، ص ٧٨٠، ح ٨٧٣٥
34. وسائل الشيعة ج ١٤، ص ١٧٤